

## کتابشناسی فردوسی

هنگام مطالعه چاپ دوم کتابشناسی فردوسی، تألیف و تنظیم آقای ایرج افشار، عنوان چند مقاله و کتاب دیگر نیز که در این مجموعه نیامده است، یادداشت شد که فهرست آنها در ذیل این مقدمه بیاید. درباره شاهنامه هنوز به زبانهای بیگانه نوشته ناشناخته، پراکنده در نشریات و مجموعههای گوناگون، بسیار است، که باید به مرور کشف و معرفی شوند.

در کنار تحقیقات ارزشمندی که در داخل و خارج کشور در باب شاهنامه انجام گرفته است، ما بادو گروه نوشته دیگر نیز سروکار داریم. یکی تألیفاتی که به ظاهر درباره شاهنامه نوشته شده‌اند، ولی اگر نوشته نمی‌شدند هم عیبی نداشت. آثاری که تألیف و فهم آنها حتی احتیاج به داشتن سواد شاهنامه هم ندارد، چه رسد به داشتن اطلاع از دیگر حماسه‌های فارسی و ایرانی و یا داشتن مطالعه در تاریخ و زبان و فرهنگ گذشته و زمینه‌های بیشتر دیگری که بدون اطلاع بر آنها فهم درست و پژوهش واقعی اثری به اهمیت شاهنامه کمتر ممکن است. متأسفانه در میان کارهایی که در این سالهای اخیر درباره شاهنامه به زبان فارسی انتشار یافته است، درصد اینگونه آثار بالاست.

و اما گروه دوم تألیفاتی هستند که هر چند موضوع آنها به ظاهر شاهنامه نیست، ولی با شاهنامه ارتباط عمیق موضوعی دارند، بطوریکه بدون مطالعه این آثار فهم و پژوهش درست شاهنامه سخت است. از این قبیل اند تحقیقاتی که در باب دیگر حماسه‌های فارسی و ایرانی شده یا تحقیقات درباره خداینامه و یا مطالعه در اطراف روایات حماسی ایرانی در میان کردها، قفقازها، ماندائی‌ها، ارمنی‌ها و غیره و غیره. مثلاً از آنجایی که آشنایی ارمنستان با روایات حماسی ایرانی در عهد پارتها اتفاق افتاده است، ممکن است در برخی از نوشته‌های قدیم ارمنی یا روایات جاری در میان این مردم، گاه به جزئیاتی از روایات حماسی ایرانی بر بخوریم که از صورت فارسی آن، که ترجمه صورتی است که در زمان ساسانیان یکی دو بار تدوین و دستکاری شده، قدیم‌تر باشد. این موضوع می‌تواند در مورد روایات ایرانی که مثلاً در میان ماندائی‌ها و یا اقوام دیگر ایرانی و یا آنچه بطور شفاهی در میان خود مردم ایران جاری است، نیز صادق باشد. اطلاع بر اینگونه امور برای تحقیق شاهنامه، بویژه تحقیق در ریشه افسانه‌ها و اسطوره‌های آن سخت ضروری است.

لهدا من معتقدم تا زمانی که يك کتابشناسی حماسی تنظیم نشده که شامل تمام حماسه‌های

فارسی و ایرانی و تحقیقات مربوط بدانها باشد، شاید پر بیراه نباشد که در چاپ بعدی کتابشناسی فردوسی فصلی هم برای دیگر حماسه‌های فارسی و ایرانی باز شود و فعلاً هر چه در این زمینه شناخته گردیده، در آنجا وارد شود تا بعداً به مرور خود به فصل‌های جداگانه تقسیم گردد. بویژه چون هزار بیت شاهنامه از دقیقی است، لذا در کتابشناسی فردوسی باید قاعده‌تاً از تحقیقاتی که دربارهٔ دقیقی شده است، نام برده شود.

از کارهایی که اکنون پس از تألیف کتابشناسی فردوسی باید انجام گیرد یکی اینست که رسالات مهم این کتاب در ایران افسست شود و مقالات مهم آن به همان زبان اصلی در چند مجموعه به چاپ رسد و به موازات آن نسخهٔ این آثار از مقاله و کتاب به زبان فارسی ترجمه و بقیه با شرح مختصر مطالب آنها معرفی شوند. همچنین تشکیل یک کتابخانه حماسی که شامل تسام این آثار باشد از کارهای بسیار ضروری است که خوشبختانه گویا جزو برنامه‌های بنیاد شاهنامه است. کتاب کتابشناسی فردوسی تألیف آقای افشار در ایجاد این کتابخانه کمک بسیار بزرگی است که بدون آن چنین کاری اصلاً عملی نمی‌بود.

در پایان به عنوان یکی از دوستداران شاهنامه به سهم خود از مؤلف محترم کتاب که ما را در باب شاهنامهٔ عزیز با این همه کتاب و مقاله و نسخهٔ خطی و عکسی آشنا کرده‌اند، سپاسگزار می‌کنم. داشتن این کتاب هر دوستدار شاهنامه را حظی بزرگ است. چاپ تصویر فریسی ولف علاوه بر قدردانی از خدمت بزرگ علمی این مرد که با تنظیم ذهنکده شاهنامه حق بزرگی بر سر کردن ما دارد، عملی جوانمردانه است در نگاهداشت و بزرگداشت خاطرۀ دانشمند مظلومی که آدمکشان یکروز آمدند و در خانهٔ او را کوبیدند و مردی را که جز بیست سال کار در انزوا گناهی مرتکب نشده بود با خود بردند و سر به نیست کردند، چنانکه حتی محل مزار او نیز بر کسی پیدا نیست. این دو بیت را فردوسی دربارهٔ ولف سروده، ولی چون نیک بنگریم در حق او گفته است:

چنان نامور گم شد از انجمن  
نزد زنده بینم که سرده نشان  
چو در باغ سرو سهی از چمن  
به دست نهنگان مردم کشان

- 1) Baesecke, Georg: Die indoeuropäische Verwandtschaft des Hildebrandliedes. Göttingen 1940 (Nachrichten von der Gesellschaft der Wissenschaften in Göttingen. Phil.-hist. Kl. Fachgr. 4. Neuere Philologie u. Literaturg. NF 3, 5, S. 139-153).
- 2) Bauer, Adolf: Die Kyros-Sage und Verwandtes. Wien 1882 (Sitz. Ber. d. Kais. Ak. d. Wiss. in Wien, Phil.-hist. Kl. 100, S. 495-578).
- 3) Bleichsteiner, Robert: Perchtengestalten in Mittelasien. Archiv für Völkerkunde 8/1953, S. 58-75.
- 4) Brandenburg, Dietrich: Priesterärzte und Heilkunst im alten Persien. Medizinisches bei Zarathustra und im Königsbuch des Firdausi. Stuttgart 1969.
- 5) Bräunlich, Erich: Firdosi und sein Werk. Vortrag, gehalten anlässlich einer Firdosi-Feierstunde der Stadt Leipzig. Neue Jahrbücher für deutsche Wissenschaft. Berlin u. Leipzig 13/1937, S. 411-421.
- 6) Fouchécour, C.-H. de: Une Lecture du Livre des Rois de Ferdowsi. Studia Iranica 5/1976, pp. 171-202.
- 7) Himly, K.: Einige Worte über

- das persische Brettspiel Nerd. ZDMG 33/1879, S. 679-681.
- 8) Jiriczek, Otto L.: Hamlet in Iran. Zeitschrift des Vereins für Volkskunde. Berlin 10/1900, S. 353-364.
- 9) Khaleghi-Motlagh, Djalal: A. Nusin, Soxani cand dar bare-ye Schahname. Der Islam 50/1973, S. 357-360.
- 10) Khaleghi-Motlagh, Djalal: A. Nusin, Wazenamak. Der Islam 51/1974, S. 225-226.
- 11) Khaleghi-Motlagh, Djalal: Die Reste altiranischer Anschauung über das Pferd im Sahnama (Vortrag, gehalten auf dem XIX. Deutscher Orientalistentag vom 28. Sep. bis 4. Okt. 1975 in Freiburg im Breisgau) ZDMG, Vorträge, hrsg. von W. Voigt, Wiesbaden 1977 (Suppl. III, 2), S. 1049-1052.
- 12) Knauth, Wolfgang (im Verbindung mit Sejfoddin Nadjmabadi): Das altiranische Fürstenideal von Xenophon bis Ferdousi. Wiesbaden 1975.
- 13) Monchi-Zadeh, Davoud: Topographisch-historische Studien zum iranischen Nationalepos. Wiesbaden 1975.
- 14) Müller, Hans: Bayat-Sarmadi, Dariusch, Education and Culture in the Shah-Nama of Firdousi. A Study of the History of Education in Ancient Iran. Mundus VII/1971, Nr. 4, p. 292-293.
- 15) Müller, Hans: Khaleghi-Motlagh, Djalal, The Women in the Shahname. Their History and Status, as also Reflected in Pre- and Post-Islamic Sources. Mundus VIII/1972, Nr. 2, p. 125-126.
- 16) Nöldeke, Theodor: Firdosi's Königsbuch. Uebersetzt von Friedrich Rückert. Literarisches Centralblatt 12/1895, S. 418; 3/1896, S. 90-91.
- 17) Nöldeke, Theodor: Der weisse Dev von Mazandaran. Archiv für Religionswissenschaft 18/1915, S. 597-600.
- ( ترجمه آن توسط نگارنده آماده چاپ است )
- 18) Rosenfeld, Hellmut: Das Hildebrandlied, dei indogermanischen Vater-Sohn-Kampf-Dichtungen und das Problem ihrer Verwandtschaft. Deutsche Vierteljahrschrift für Literaturwissenschaft und Geistesgeschichte 26/1952, 4. Heft, S. 413-432.
- 19) Roth, R.: Die Sage von Feridun in Indien und Iran. ZDMG 2/1848, S. 216-230.
- 20) Rypka, Jan: Hansen, K.H., Das iranische Königsbuch. Orientalistische Literaturzeitung 51/1956, Nr. 7/8, S. 243-348.
- ( انتقاد کتاب هانزن ، رك : كتابشامی فردوسی ، شماره ۵۷۸ )
- 21) Santa-Croce, Joseph: Das Buch der Könige. Schah-Name, das persische Epos. Kurier 10/1971, S. 33, 39.
- 22) Siggel, Alfred: Medizin und Hygiene im Königsbuch des iranischen Dichters Firdausi. Geschichte der Medizin. Berlin 14/1940, S. 356-361.
- 23) Spuler, Bertold: Wolfgang Knauth in Verbindung mit Sejfoddin Nadjmabadi, Das altiranische Fürstenideal von Xenophon bis Ferdousi... Historische Zeitschrift 225/1977, S. 668-669.
- ( انتقاد کتاب شماره ۱۲ در همین سال جامع )
- ( فهرست . )
- 24) Utas, Bo: On the Composition of the Ayyatkar-i Zareran. Monumentum H.S. Nyberg II. Acta Iranica. Leiden 1975, pp. 399-418.
- 25) Van der Lee, A.: Zum Literarischen Motiv der Vatersuche. Amsterdam 1957.

26) Vries, Jan de: Das Motiv des Vater-Sohn-Kampfes im Hildebrandslied. Germanisch-Romanische Monatsschrift. N.F. 3/1953, S. 257-274.

27) Welch, Stuart Cary: Das Buch der Könige. Das Schahname des Shah-Tahmasp. München 1976.

(= کتابشناسی فردوسی، شماره ۷۶۳)

28) Wollner, Wilhelm: Einige Spuren des Einflusses der iranischen Heldensage auf die südslavische. Indogermanische Forschungen 4/1894, S. 448-456.

(انتقاد کتاب زنان شاهنامه، رك :

کتابشناسی فردوسی، شماره ۶۱۱).

### درباره دیگر حماسه‌های فارسی و ایرانی

35) Boyce, Mary: The Parthian gosan and Iranian Minstrel Tradition. JRAS 1957, pp. 10-45.

36) Chalathianz, Gregor: Fragmente iranischer Sagen bei Grigor Magistros. WZKM 10/1896, S. 217-224.

(رك: خالقی مطلق، جلال: گروگر

خالاتیانس، قطعاتی از اسطوره‌های

ایرانی در نوشته‌های گریگور

ماگستروس. نظریه دانشکده ادبیات

و علوم انسانی دانشگاه آذربایجان،

شماره بهار ۱۳۵۳، ص ۶۹-۸۹).

37) Chalathianz, Bagrat: Die iranische Heldensage bei den Armeniern. Zeitschrift des Vereins für Volkskunde. Berlin 14/1904, S. 35-47, 290-301, 385-395; 17/1907, S. 414-424.

38) Drower, E.S.: The Mandaeans of Iraq and Iran. Their cults, customs, Magic, Legends and Folklore. Oxford 1937, pp. 369-399.

39) Dumézil, Georges: Le livre des Héros. Légendes sur les Nartes. Traduit de l'ossète avec une introduction et des notes. Paris 1965.

40) Hüsing, Georg: Die Iranische Ueberlieferung und das arische System. Leipzig 1909.

41) Kabud, Haqnazarow: Gurugli. Dusanbe 1976.

42) Khaleghi-Motlagh, Djalal: Daqiqs Geburtsort. Der Islam 53/1976, S. 115-119.

43) Kriste, J.: Ueber das Khodai-name. WZKM 10/1896, S. 323-326.

44) Marquart, J.: Beiträge zur Geschichte und Sage von Eran. ZDMG 49/1895, S. 628-672. (G. Hüsing, ZDMG 54/1900, S. 125-129; درباره آن :)

45) Minorsky, V.: Vis u Ramin. A

### به زبان فارسی در خارج از ایران

۲۹) خالقی مطلق: پزشکی در ایران

باستان. جهان پزشکی (دوسلدورف/

آلمان غربی) ۱۳۴۶/۴، ص

۱۳-۳.

۳۰) خالقی مطلق، جلال: دیشرش

براندنبرگ، درباره موبدان پزشک

د فن مدوا در ایران باستان. جهان

پزشکی (دوسلدورف/ آلمان غربی)

۱۳۴۹/۳، ص ۴۰-۴۵ (انتقاد

کتاب شماره ۴ در همین فهرست.

۳۱) رهین، سید مخدوم: دقیقی نامه.

حاوی اشعار محمد بن احمد دقیقی

بلخی حماسه سرای وشاعر ملی

افغانستان در عهد سامانیان. کابل

۱۳۵۲.

۳۲) شیرانی، محمود خان: چهار مقاله

بر فردوسی و شاهنامه. (رك :

کتابشناسی فردوسی، شماره ۲۳۳-

۲۴۰). با مقدمه و تحشیه و ترجمه

عبدالحی حبیبی. کابل ۱۳۵۵.

۳۳) کهزاد، احمد علی: افغانستان در

شاهنامه. کابل ۱۳۵۵.

۳۴) میکده، پرویز: جلال خالقی مطلق،

زن از دیدگاه فردوسی. جهان

پزشکی (دوسلدورف/ آلمان غربی)

- Parthian Romance. BSOAS 11/1946, pp. 741-763; 16/1954, p. 91-92.
- 46) Molé, M.: Un persan du comte de Gobineau. La Nouvelle Cléo 44/1952, pp. 116-130.
- 47) Nöldeke, Theodor: Kajänier im Awestä und im Tabari. ZDMG 32/1878, S. 570-572.
- 48) Nöldeke, Theodor: "Der beste der arischen Pfeilschützen" im Awestä und im Tabari. ZDMG 35/1881, S. 445-447.
- 49) Nöldeke, Theodor: Beiträge zur Geschichte des Alexanderrromans. Wien 1890 (Denksch. d. Kais. Ak. d. Wiss. in Wien, Phil.-hist. Kl. 38), S. 1-56.
- 50) Nöldeke, Theodor: Bemerkungen zu Geiger's Uebersetzung des Pehlewi-Buches Jätakäri Zarērân. ZDMG 46/1892, S. 136-145.
- (انتقاد ترجمه گایگر، رک : کتابشناسی فردوسی، شماره ۵۶۴)
- 51) Petermann, H.: Reisen im Orient. 2. Aufl. I-II Leipzig 1965 (Legenden der Mandäer, II, S. 100-115).
- 52) Schaeder, Hans Heinrich: War Daqiqi Zoroastrier? Festschrift Georg Jacob zum 70. Geburtstag. Leipzig 1932, S. 288-303.
- 53) Stackelberg, R. v.: Bemerkungen zur persischen Sagengeschichte. WZKM 12/1898, S. 230-248.

جلال خالصی مطلق - هائورنگ

